

نگاهی به نسخه خطی مثنوی فارسی حزین «بديعة الودیعة»

رضوان الله آروی*

محمد علی بن ابی طالب معروف به حزین لاهیجی، نه تنها شاعر چیره دست زبان فارسی و عربی بود بلکه محدث و فقیه بی بدل و حکیم و فیلسوف بی همتا در زمان خویش بود. او در زمینه های فقه و علم کلام، منطق و فلسفه و تصوف و... تألیفات ارزشمند در زبان عربی و فارسی دارد. لازم به تذکر است که حزین، همه علوم نامبرده را که بر آنها سلطه کامل داشت، در مثنوی خودش «بديعة الودیعة» باهم جمع کرده است. میان همه تصانیف شیخ حزین، این اثر مهم او مثنوی «بديعة الودیعة» شهرت نیافته و کم معروف مانده. به سبب اینکه شاید این مثنوی تاکنون به چاپ نرسیده. البته نسخ خطی این مثنوی، در کتابخانه های مختلف جهان وجود دارد. بالعکس این، مثنویهای دیگر حزین مانند: «صفیر دل»، «چمن و انجمن»، «خرابات»، «فرهنگ نامه»، «تذکره العاشقین» و... که به چاپ رسیده و شامل کلیات حزین اند، شهرت به سزا دارند. اما، این مثنوی. شیخ علی حزین، توجه نویسندگان را جلب نکرد. تذکره نگاران و نویسندگان که شیخ علی حزین را موضوع مورد بحث قرار داده اند و آثار او را بررسی کرده اند، در ذیل «آثار حزین» این مثنوی را یا تذکر نداده یا فقط اشاره کرده اند. مثلاً سرکار خانم معصومه سالک که اثر مهم شیخ علی حزین کتاب «تذکره المعاصرین» را تصحیح کرده و به چاپ رسانده اند، در مقدمه خویش به حواله فهرست نسخه های خطی فارسی، احمد

* استادیار، بخش فارسی دانشکده هر پارساد داس جین، آره (بهار).

منزوی، خبر می‌دهند که یک نسخه خطی «ودیعة البدایع» در کتابخانه آسیایی بنگال محفوظ می‌باشد.^۱ اما از یک نسخه مهم و کامل این مثنوی که در کتابخانه خدابخش، پتنه نگهداری می‌شود، شاید سرکار خانم اطلاعاتی نیافته و تذکر نداده... همچنین، دکتر علی‌رضا نقوی درباره این مثنوی فقط می‌نویسد:

«مثنوی دیگر «ودیعة البدیعة» مؤرخ ۱۱۳۸ هجری که به سن هفتاد سالگی به تقلید

حدیقه سنایی سروده است در بعضی نسخ دیوان دیده شده است»^۲.

اما او تصریح نمی‌کند از «بعضی نسخ دیوان» و این مثنوی حزین را معرفی هم نمی‌کند...

نسخه خطی کامل این مثنوی که در کتابخانه خدابخش، پتنه، در ذیل شماره ۶۶۹ ضبط شده، مشتمل بر ۵۲ (پنجاه و دو) برگ است. این کتاب از شماره دو صد و چهل و نه (۲۴۹) شروع و تا

شماره سه صد و یک (۳۰۱) ختم می‌شود. البته درباره نام این مثنوی، تذکره‌نویسان و فهرست‌نگاران نسخ خطی، اختلاف نظر دارند. در کتابخانه خدابخش، این مثنوی بنام «بدیعة‌الودیعة» ضبط شده. اما در کتابخانه بادلین این نسخه را در ذیل شماره هزار و یکصد و هشتاد و چهار (۱۱۸۴) بنام «ودیعة البدیعة» درج کرده‌اند.^۳ سرکار خانم معصومه سالک نام این کتاب «ودیعة البدایع» نوشته‌اند و بنا به گفته خود به همین نام در کتابخانه آسیا، بنگال محفوظ است...^۴ از ترقیمه نسخه خدابخش، پتنه اطلاع می‌یابیم که این مثنوی که شیخ علی حزین به تقلید حدیقه حکیم سنایی سروده بودند. بتاريخ نوزدهم

۱. تذکره المعاصرین، از: حزین لاهیجی، مقدمه، تصحیح و تعلیقات معصومه سالک، تهران: نشر سایه، دفتر نشر میراث مکتوب وابسته، به معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۷۶.
۲. تذکره‌نویسی در هند و پاکستان: از: دکتر علی رضا نقوی، ص ۳۶۳.
۳. فهرست تشریحی، کتابخانه خدابخش، پتنه. ج ۳ ص ۱۳۲.
۴. تذکره المعاصرین، از: حزین لاهیجی، با مقدمه معصومه سالک، ص ۶۷.

مثنوی «بدیعة‌الودیعة» نه تنها تأثیر فراوان دارد بلکه چهره عالمات حزین را نمایان تر می‌کند و سلطه و قدرت او بر انواع علوم را به اثبات می‌رساند.

ربیع الثانی در سال هزار و یکصد و هفتاد و هشت (۱۱۷۸ هـ) به اتمام رسید. کاتب نامعلوم و غیر مشخص می نویسد:

”لله الحمد که بتاریخ نوزدهم شهر ربیع الثانی ۱۱۷۸ هـ نسخه «بدیعة الودیعة» از تصانیف شیخ اجل الاکرم الاعظم الشیخ محمد علی حزین مدظله که بطریق حدیقه حکیم سنایی علیه الرحمة فرموده بودند، با تمام رسید. کتبه العبد المذنب الراجی الی ربّه الغفور الکریم برکت الله غفرله ولوالدیه“^۱.

از مطالعه این مثنوی برمی آید که شیخ علی حزین، این مثنوی را «بطریق» حدیقه سنایی نوشته، نه «بتقلید» چنانکه دکتر علی رضا نقوی شرح داده اند. زیرا که شیخ علی حزین تحت عنوان «سبب نظم الكتاب» نوشته اند که به طریق همان یعنی به طریق حدیقه سنایی. «نقش چندی» بارتجال زدم باین امید که شاید قبول افتد:

چون ز من پیش خواجه عارف	آن باسرار سالکان واقف
مرد معنی حکیم ربانی ^۲	باده پیمای فیض یزدانی
آن کهن مست جرعه های ازل	هوشیار دیار علم و عمل
دل و جان داده ولای علی	نکته پرداز هر خفی و جلی
فارس عرصه سخن سازی	پیشتاز فوارس تازی
خواجه غزنوی سنایی زاد	که به روحش تحیت حق باد
زد درین بحر نقش گویائی	که کند کوثرش جبین سائی
عندلیب قلم ز طبع حزین	طلبیدی حدیقه دومین
لیک از افسردگی قبول نشد	عالی طبع بوالفضول نشد
تا درین تنگنای وقت رحیل	خامه سرکرد صور اسرافیل
نقش چندی به ارتجال زدم	آهی از تنگی مجال زدم
بوکه منظور اهل دید افتد	این سیه نامه روسفید افتد
عمر هم در جوار هفتاد است	مشت خاکی مرا پُر از باد است
شاید آهی بروی کار آید	خشک ره بگذرد بها ر آید
زیر هر حرف خویش پنهانم	تن گفتار خویش را جانم

۱. نسخه خطی «بدیعة الودیعة» مخزونه، کتابخانه خدابخش، پتته، ورق ۱۰۳.

۲. مراد از حکیم سنایی.

هر که مارا بخیر یاد کند غم و اندوه خیر باد کند

(عنوان پنجم)

این مثنوی شیخ حزین ... علاوه از آغاز و خاتمۀ کتاب در تحت عناوین مختلف بیش از هزار و دویست (۱۲۰۰) بیت دارد و نیز شیخ حکایتها نوشته که در جای دیگر ننوشته. مثلاً حکایتی بیان کرد که چون عمر او محض پنج سال بود، عید آمد یک معتقد پدرش برای نذر کردن یک حلّه زر بیاورد. پدرش نپسندید و فرمود که روزگار یک روش نمی ماند. شاید آن عهد درپیش آید که مرقع درویش نیابد:

یاد می آیدم ز عهد پدر رُوح الله روحه الاطهر

آن زمان بود سال عمرم پنج رفته پنجم زشایگان گنج

ناگهان عید روزگار آمد سپری شد خزان بهار آمد

در آن وقت، شخصی که به پدرش عقیده فراوان می داشت، یک حلّه زرین بیاورد.

حزین از یاد و خاطره خود می نویسد:

چون پدر دید حلّه نه پسندید سویم از چشم مهربان بدید

کس چه داند که چرخ گردد چون یک روش نیست دهر بوقلمون

شاید آن روزگار آید پیش که نیابد مرقع درویش

مرد را زیب تن زیان باشد حلّه پیرایه زنانه باشد

رغبت حلّه رفت از یادم آن گرفتم نجات می دادم

(عنوان چهل و هفت)

در نتیجه همین پرورش و آموزش، شیخ علی حزین، زهد و اتقا ورزیده، از کمال

بی نیازی زندگی کرده است.

در آغاز این نسخه، شیخ حزین پس از حمد و نعت، در مدح امیرالمؤمنین علی

مرتضی سلام الله علیه می گوید:

آنکه بعد از نبی وصی ولی ست نایب آفریدگار علی ست

بحر علمش محیط هستی شد سر جاهل به قعر پستی شد

قدرت بازوی یداللّهی زده خط بر سواد گمراهی

نازم این دل که می کند یادش جان فدای علی و اولادش

(عنوان چهارم)

شیخ علی حزین در این کتاب، علاوه بر حمد، نعت رسول (ص) و مدح علی (ع) و آل علی، عناوینی را به علم و حکمت مانند:

ربط و اتصال بین ارواح و اجسام، حقیقت از حیات و ممات، بیان برزخ و عالم مثال، امکان و وجوب، حشر و نشر، وحدت ادیان، درجات و مراتب ایمان، نبوت و ولایت، جنت و دوزخ و میزان قیامت اختصاص داده است. چنین به نظر می‌رسد که شیخ حزین، به نظریه وحدة الوجود عقیده داشت، چنانکه خود می‌گوید آنکه قایم بذات است، هستی مطلق است و همه خلق در اصل ذات معدوم:

آنکه قایم بذات خود باشد هستی مطلق احد باشد
همه در اصل ذات معدوم‌اند جمله محتاج حی و قیوم‌اند
(عنوان چهار دهم)

اما، صفتی که این مثنوی حزین را بر حدیقه سنایی امتیاز می‌دهد اثبات ذات احدیت است. حال آنکه حزین خوب می‌داند که حس انسانی، ادراک ذات و صفات نمی‌تواند:

چون تفکر بذات او نرسد هم به‌کنه صفات او نرسد
جمله اوصاف عین ذات بود گرچه مفهوم آن صفات بود
(عنوان هشتم)

و در جای دیگر می‌گوید:

حق ز ادراک خلق مستور است از مقام مقربان دور است
خلق یک ذره است از ایجادش متقوم بفیض امدادش
ذره کی ظرف انبساط شود حق محیط است کی محاط شود
هست قایم بذات عز و جل با خدا ممکنات را چه محل
لیک انوار معرفت چو دمد ظلمت و هم از میانه رود
فیض اقدس چو جلوه آرا شد مظهر او صفات و اسماء شد
غیر هرگز حجاب او نشود همه محدود و نیست او را حد
آنکه پیدا بود خدا باشد ممتنع ذاتش از خفا باشد
دیده با نور آشنائی ده خرد از قید حس رهائی ده
تا مگر قصر کبریا بینی خود نه بینی مگر خدا بینی
(عنوان ششم)

فهم این مثنوی شیخ حزین دشوار است اگر آدم به آیات قرآنی و شأن نزول و احادیث رسول علیه السلام مسلط نباشد. زیرا که حزین به آیات و احادیث خیلی استشهاد گرفته و صدها اشعار این مثنوی را در تفسیر آیات قرآنی سروده است. مثنوی «بدیعة الودیعة» نه تنها تأثیر فراوان دارد بلکه چهره عالمانه حزین را نمایانتر می‌کند و سلطه و قدرت او بر انواع علوم را به اثبات می‌رساند. اما، با وجود این تسلط و قدرت، شیخ علی حزین به علم و دانش خویش، نمی‌نازد و در مناجاتی... که به همین مثنوی شامل است. به الحاح می‌گوید:

ای خدای بلندی و پستی	شاهد هوشیاری و مستی
نارساناله را رسائی ره	سحرم را جبین کشائی ده
قید آب و گلم ز پا بگشایی	بند ازین وحشت آزما بگشایی

پس از تکمیل و اتمام این کتاب، شیخ علی حزین خوش نمی‌شود بلکه تأسف می‌خورد که از معارف و حقایقی که در این کتاب به نظم آورده، کس آگاه و مطلع نیست و در جهان نکته‌رس وجود ندارد که از آن علم و حکمت بِلد باشد. در خاتمه کتاب می‌گوید:

شکر لله که هفته مهلت	یافتم از حیات کم فرصت
که برین چند صفحه ریخت قلم	از خط مشک فام طرح ارم
در جهان نکته‌رس نمی‌بینم	مرد این نامه کس نمی‌بینم